

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در این اشکال بود که اگر ادله‌ی حجیت خبر واحد تمام باشد، یکی از اخبار خبر مرحوم سید مرتضی است که بر عدم حجیت خبر واحد نقل اجماع کرده است را نیز شامل می‌شود؛ و در این صورت، تمام اخبار آحاد از حجیت ساقط می‌شود؛ و فقط همین یک خبر سید در ادله باقی می‌ماند. این نیز مستلزم تخصیص اکثر است، آن‌هم به بدترین نحو از انحای تخصیص اکثر؛ یعنی تخصیص اکثری که تمام افراد عام از بین می‌روند و فقط یک فرد باقی می‌ماند. در بحث‌های گذشته مجموعاً پنج جواب از این اشکال ذکر کردیم، آخرین جواب، پاسخی است که مرحوم محقق عراقی بیان کرده است؛ و چون در این جواب، نکات دقیق علمی وجود دارد؛ لذا، این جواب را نیز بیان می‌کنیم.

پاسخ اول مرحوم محقق عراقی از اولین اشکال عام

مرحوم محقق عراقی بر اساس آنچه که در صفحه‌ی 119 از جلد 3 کتاب نه‌ایة الافکار آمده، دو جواب از این اشکال بیان کرده‌اند؛ اما در تهذیب الاصول مرحوم امام در نقل این جواب مرحوم عراقی، به نظر می‌رسد که یک مقداری دقت رعایت نشده است که علت آن را نیز عرض می‌کنم. همچنین در مصباح الاصول مرحوم آقای خویی نیز به همین صورت است. یعنی اگر کسی دقت کند، جوابی را که در این دو کتاب از قول مرحوم عراقی نقل کرده‌اند، با آنچه که در نه‌ایة الافکار آمده، تطابق ندارد. مرحوم عراقی در جواب اول، سه مطلب را بیان می‌کند؛ مطلب اول این است که اطلاق ادله‌ی حجیت خبر واحد محال است که خبر مرحوم سید مرتضی را شامل شود. در ذهن‌تان هست که مرحوم شیخ طوسی در مقابل اجماع سید مرتضی اجماع دیگری را بیان کرده و آن این که: بر حجیت خبر واحد اجماع قائم است. مرحوم عراقی می‌فرمایند ادله‌ی حجیت خبر واحد محال است که خبر مرحوم شیخ را نیز بگیرد؛ یعنی همان‌طوری که محال است خبر سید مرتضی را شامل شود، هم‌چنین محال است خبر مرحوم شیخ طوسی را شامل شود. این هم مطلب دوم. و مطلب سوم این است که خبر سید هم محال است شامل خودش شود. ایشان می‌فرمایند که دو جواب داده‌اند و ما کاری به آن‌ها نداریم.

یک، گفته‌اند که ما یلزم من وجوده العدم محال و باطل است؛ این‌جا اگر ادله‌ی حجیت بخواهد شامل خبر سید شود، از تمسک به خبر سید، عدم به تمسک آن لازم می‌آید. از اعتبار خبر سید عدم اعتبار آن لازم می‌آید؛ و به خاطر این استحاله، اطلاق شامل خبر سید نمی‌شود. ایشان می‌فرمایند این حرف را زده‌اند، ولی به این بیان نمی‌خواهیم استدلال کنیم. هکذا، بیان دیگری هم وجود دارد، و آن این که: گفته‌اند ما یک حجیت و یک شک در حجیت داریم. شک در حجیت چون بر حجیت عارض می‌شود، از باب این که رتبه‌ی عارض از معروض مؤخر است، پس، شک در حجیت جزء مراحل مؤخره است. شک در حجیت جزء تقسیمات ثانویه است. سپس گفته‌اند اطلاق دلیل شامل این شک در حجیت که عنوان مؤخر را دارد، مورد خبر سید نیز در جایی است که شک در حجیت داشته باشیم. مرحوم عراقی می‌فرمایند ما به این دو اصلاً کاری نداریم؛ و بیان دیگری را برای استحاله دارند که این بیان، به هیچ یک از این دو جواب ارتباط ندارد. بلکه می‌فرمایند اصلاً خود اطلاق شامل موردی که شک در

مضمون دلیل است، نمی‌شود. مثلاً - این مثال در کلمات مرحوم عراقی نیست و من برای روشن شدن مطلب عرض می‌کنم. - اگر شارع گفت **الخمر حرام**، این شامل تمام مواردی که یقیناً خمر است، می‌شود.

نمی‌شود این دلیل اطلاق دارد و مواردی را هم شک در خمريت آنها هست نیز شامل می‌شود. این محال است. یا اگر گفت **أكرم العالم**، دیگر شامل موردی که شک در عالميت زید هست نمی‌شود. بحث تقدّم و تأخّر و تقسیمات اولیه و ثانویه اصلاً نیست؛ بلکه بحث این است که اطلاق یک دلیل محال است موردی را شامل شود که شک در مضمون دلیل در آن مورد وجود دارد. در این مقام نیز همین طور است؛ ما ادله‌ای داریم که دلالت دارند خبر واحد حجيت دارد. خبر مرحوم سيد مرتضی که می‌گوید بر عدم حجيت اجماع داریم، مورد این اجماع جایی است که شک در حجيت و عدم حجيت باشد. یعنی سيد می‌گوید در خبری که شما در حجيت و عدم حجيت آن شک دارید، بر عدم حجيت آن اجماع داریم. برای این که اگر علم به حجيت خبری داشته باشید و بدانید که مطابق با واقع است، یا علم به عدم حجيت آن داشته باشد و بدانید که مطابق با واقع نیست، دیگر بحث حجيت خبر مطرح نمی‌شود؛ و نیازی به ادله‌ی حجيت نداریم. خبر سيد هم در این‌جا پیاده نمی‌شود. این مطلب هم در مورد کلام سيد صدق می‌کند و هم در مورد کلام شيخ طوسي صدق می‌کند؛ می‌گوییم مورد کلام سيد و شيخ جایی است که در حجيت و عدم حجيت خبری شک باشد. وگرنه در مواردی که یقین به حجيت و یا یقین به عدم حجيت هست، مجالی برای کلام این دو بزرگوار نیست. ادله‌ی حجيت خبر واحد، حجيت خبر واحد را اثبات می‌کند؛ یعنی می‌گوید اگر مثلاً زراه خبر آورد به مضمون آن عمل کن؛ اما حجيت بما هي حجيت را اثبات نمی‌کند؛ و همچنین نمی‌گوید اگر در حجيت خبری شک کردی برای تو حجت است؛ پس، اطلاق آن موردی که شک در حجيت آن هست را شامل نمی‌شود. این جواب اول مرحوم محقق عراقی است.

مناقشه مرحوم امام در پاسخ اول مرحوم عراقی

در این‌جا هم مرحوم آقاي خويي و هم مرحوم امام (قدس سرهما) از پاسخ ایشان جواب داده‌اند. پاسخ مرحوم امام طبق مطلبی است که مرحوم عراقی می‌فرماید کاری به آن مطلب نداریم. مرحوم امام می‌فرماید به نظر ما، اطلاق دلیل شامل حالات متأخري از دلیل هم می‌شود؛ شامل شک در حجيت هم می‌شود. لکن ما عرض کردیم، هنگامی که کلام مرحوم عراقی را ملاحظه می‌کنیم، ایشان می‌گوید این مطلب هم هست، اما کاری به این مطلب نداریم؛ ایشان برای استحاله، بیان دیگری آورده است؛ و آن این که، هیچ دلیلی شامل مرتبه‌ی شک در آن دلیل نمی‌شود. مرحوم امام در صفحه‌ی 449 جلد 2 تهذيب الاصول فرموده‌اند که: **إنه مبني على امتناع شمول اطلاق الجهل للحالات المتأخرة عنه من الشك ونحوه مع أن اطلاق الحكم يشمل لبعض حالات المتأخرة من الشك والعلم.** می‌فرماید اطلاق شامل حالات متأخره می‌شود، شامل شک و شامل علم می‌شود؛ شما چرا می‌گویید دلیلی که دلالت بر حجيت دارد، شامل شک در حجيت نمی‌شود؛ اما عرض کردیم که کلام مرحوم عراقی این نیست.

مناقشه مرحوم آقاي خويي در پاسخ اول مرحوم عراقی

اما مرحوم آقاي خويي در مصباح الاصول دو جواب داده‌اند. ایشان یک جواب نقضي و یک جواب حلّي داده‌اند. در جواب **نقضي** می‌فرمایند اگر شخص کاذبی خبر دروغی داد و گفت کذب در شریعت حرام نیست. می‌فرمایند اگر بخواهید بگویید ادله‌ی کذب شامل خبر کاذب می‌شود، همین اشکالی که در کلامتان گفتید این‌جا هم جریان دارد. این جواب نقضي مرحوم آقاي خويي طبق بیان اول است. در بیان اول می‌گفتیم یک حجيت داریم و یک شک در حجيت داریم؛ شک در حجيت عارض بر حجيت است و متأخر از آن است. ایشان فرموده‌اند مرحوم آقاي عراقی می‌خواهد بگوید اگر ادله‌ی حجيت خبر واحد بخواهد شامل خبر سيد مرتضی بشود، لازمه‌اش این است که آن‌چه متأخر بوده، متقدّم شود. لازمه‌اش این است که شک در حجيت که متأخر از

حجّیت است، متقدّم شود. لازمه اش این است که خود حجّیت هم متقدّم شود و هم متأخّر. ایشان می فرماید عین همین بیان در این نقضی که گفتیم وارد می شود. این جا اگر ادلّه ی حرمت کذب بخواهد شامل این خبر کاذب شود که می گوید در شریعت کذب حرام نیست، فرع بر این است که خود عنوان این که این خبر، خبر کذب باشد، در یک رتبه ی سابقه ی بر ادلّه ی حرمت کذب باشد؛ یعنی قبل از این که این ادلّه بیايد، یصدق بر این خبر که عنوان کاذب را داشته باشد؛ و الاّ اگر صدق کاذب نکند ادلّه شامل این نمی شود. ادلّه می گوید خبر کاذب حرام است؛ و قبل از این که این ادلّه بیايد، باید بر آن کاذب بودن صدق کند.

از طرف دیگر، فرموده اند و کذبّه عبارة عن حرمة الکذب و المفروض أنّ حرمة الکذب مستفادة من نفس هذه الادلّة ؛ این خبر کاذب است، برای این که واقعاً کذب حرام است و این شخص گفته است که کذب حرام نیست. اگر این شخصی که گفته در شریعت کذب حرام نیست، ادلّه ی حرمت کذب بخواهد شامل او هم شود، فرع بر این است که خبر او قبل از آمدن ادلّه کاذب باشد؛ مثل این که وقتی می گوید **الخمير حرام**، باید فلان مایع خمر باشد بعد حرمت بیايد. حال، این که خبرش بخواهد کاذب باشد، فرع بر این است که کذب واقعاً حرام باشد؛ - چون او گفته است که کذب حرام نیست؛ و مخالف آن این می شود که کذب حرام است. - و این که کذب بخواهد حرام باشد، باید آن را از ادلّه ی حرمت کذب استفاده کنیم؛ یعنی تا ادلّه ی حرمت کذب نیاید ما نمی فهمیم کذب حرام است. ایشان این جواب نقضی را داده اند. منتها عرض کردم، این فرع بر آن است که مرحوم عراقی بخواهد از این راه وارد شود؛ در حالی که ایشان کاری به حالات متأخّره و متقدّمه ندارد. جواب حلّی را پیش مطالعه بفرمایید ان شاء الله فردا عرض خواهیم کرد.